

پژوهشکده پولی و بانکی
بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



ارائه روش جدید کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی با رویکرد قسطبندی متفاوت اصل و سود تسهیلات

گزارش سیاستی

دی ۱۳۹۹

www.mbri.ac.ir



پژوهشکده پولی و بانکی

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

کد گزارش: MBRI-PR-9923

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش سیاستی:

ارائه روش جدید کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی با رویکرد قسطبندی متفاوت اصل و سود تسهیلات

نویسندگان: حسین میثمی، فرشته ملاکریمی

ناظران علمی داخلی:

دکتر رسول خوانساری (پژوهشکده پولی و بانکی)

ناظران علمی بیرونی:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مجید رضایی (عضو شورای فقهی بانک مرکزی)

دکتر اکبر کشاورزیان (عضو هیئت مدیره پست بانک)

مشاوران علمی:

دکتر کامران ندری (عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع))

علی معروف‌خانی (رئیس گروه مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی)

نیما حقی (معاون اداره بررسی‌های اقتصادی و توسعه محصول بانک مسکن)

نرگس قنبری (کارشناس اعتباری بانک مسکن)

واژگان کلیدی: مرابحه، نرخ سود، بازپرداخت تسهیلات، اقساط استطاعت‌پذیر، بانک مرکزی

طبقه‌بندی JEL: E43, E52

تاریخ انتشار گزارش: دی ۱۳۹۹

فهرست مطالب

۱	مقدمه	۳
۲	سابقه تحقیق	۴
۳	آسیب شناسی وضع موجود نظام بانکی از منظر بازپرداخت تسهیلات	۴
۴	ضرورت اقتصادی استفاده از تسهیلات جدید	۵
۴-۱	حمایت از تولید و بخش حقیقی اقتصاد	۵
۴-۲	متناسب سازی برنامه بازپرداخت تسهیلات بانکی با درآمدزایی بنگاه اقتصادی	۵
۴-۳	استطاعت پذیر کردن اقساط برای بنگاه های اقتصادی	۶
۴-۴	کاهش مطالبات غیرجاری، جرائم تأخیر و استمهال در شبکه بانکی	۶
۵	مبانی فقهی - حقوقی استفاده از روش جدید کاربرد عقد مرابحه	۷
۵-۱	تعریف مرابحه	۷
۵-۲	روایات مرتبط با مرابحه	۷
۵-۳	ضوابط فقهی مرابحه	۸
۵-۴	کاربردها و ظرفیت های مرابحه برای جایگزینی سایر عقود بانکی	۹
۵-۵	انواع روش های مشروع بازپرداخت بدهی در مرابحه	۱۰
۶	ارائه روش های استفاده از سازوکار جدید کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی کشور	۱۰
۶-۱	بازپرداخت اقساطی سود و دفعی اصل تسهیلات در سررسید	۱۰
۶-۲	بازپرداخت اقساطی سود و اقساطی اصل تسهیلات پس از دوره تنفس	۱۱
۷	محاسبه مبلغ اقساط و میزان سود در سازوکار جدید در مقایسه با دو روش رایج در شبکه بانکی کشور	۱۲
۷-۱	بازپرداخت تدریجی اصل و سود (روش رایج در شبکه بانکی برای عقود مبادله ای)	۱۲
۷-۲	بازپرداخت دفعی اصل و سود در سررسید (روش رایج در شبکه بانکی برای عقود کوتاه مدت مانند مضاربه)	۱۳
۷-۳	بازپرداخت اقساطی سود و دفعی اصل در سررسید (روش جدید)	۱۳
۷-۴	مقایسه تطبیقی مبلغ قسط و کلی سود پرداختی در الگوها	۱۳
۸	نتیجه گیری، توصیه های سیاستی، و پیشنهادهایی برای پژوهش های آتی	۱۴
۱۶	منابع و مأخذ	۱۶

فهرست جداول

- جدول ۱. محاسبه مبلغ اقساط و میزان سود در الگوی بازپرداخت تدریجی اصل و سود..... ۱۳
- جدول ۲. مقایسه مبلغ هر قسط و کل سود پرداختی در الگوها..... ۱۴

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱. الگوی بازپرداخت اقساطی سود و دفعی اصل تسهیلات مراحه در سررسید..... ۱۱
- شکل ۲. الگوی بازپرداخت اقساطی سود و اقساطی اصل تسهیلات پس از دوره تنفس..... ۱۲

خلاصه مدیریتی

بدون شک یکی از مشکلات تأمین مالی تولید در اقتصاد کشور، چالش بنگاه‌های اقتصادی در بازپرداخت اقساط به شبکه بانکی به دلیل بالا بودن مبلغ اقساط است. در واقع، بنگاه‌های تولیدی که برای تأمین مالی سرمایه ثابت یا سرمایه در گردش به دریافت تسهیلات از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی اقدام کرده‌اند، به دلیل شرایط تورم رکودی اقتصاد کلان، در برخی موارد امکان بازپرداخت اقساط را ندارند که این مسئله از یک سو سبب ایجاد اخلال در بخش حقیقی اقتصاد می‌شود و از سوی دیگر، نسبت مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی کشور را افزایش می‌دهد.

ایده اصلی این تحقیق استفاده حداکثری از ظرفیت فقه اسلامی و نظام حقوقی کشور در راستای ارائه سازوکار جدید کاربرد مرابحه در شبکه بانکی است که در آن برخلاف روش رایج، قسط‌بندی کوتاه‌مدت سود و بلندمدت اصل تسهیلات مورد توجه قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، در این راهکار سود تسهیلات به صورت اقساطی و اصل تسهیلات در سررسید از مشتری دریافت می‌شود.

یافته‌های تحقیق که به روش تحلیلی-توصیفی به دست آمده است نشان می‌دهد که از منظر فقه اسلامی و ضوابط قرارداد مرابحه، هیچ نوع محدودیتی در شیوه بازپرداخت ثمن در این عقد وجود ندارد. در واقع، هرچند با انعقاد قرارداد مرابحه بدهی بین بانک و مشتری شکل می‌گیرد، شیوه بازپرداخت ثمن معامله (شامل اصل و سود) موضوعی توافقی بین بانک و مشتری است و در زمره اصل آزادی قراردادها و قاعده شرط (جواز درج شروط ضمن عقد در قراردادها) قرار می‌گیرد و لذا محدودیتی در رابطه با آن وجود ندارد.

استفاده از سازوکار جدید مرابحه که می‌توان آن را «تسهیلات با اقساط استطاعت‌پذیر» در نظر گرفت، نسبت به روش فعلی مورد استفاده در شبکه بانکی یعنی واریز اصل تسهیلات توسط مشتری به حساب بانک برای مدت خیلی کوتاه و در نظر گرفتن تسهیلات جدید با شرایط مشابه (با تغییر سرفصل) برای مشتری، مزیت دارد؛ چرا که استفاده از روش فعلی مستلزم طی شدن مجدد تشریفات پرداخت تسهیلات و صرف هزینه‌های مبادلاتی برای بانک و مشتری است، در حالی که در سازوکار جدید از ابتدا در رابطه با بازپرداخت اصل تسهیلات بعد از سررسید توافق می‌شود و نیازی به تبدیل قرارداد به یک قرارداد جدید و تغییر سرفصل وجود ندارد.

ویژگی اصلی روش جدید کاربرد عقد مرابحه متناسب‌سازی «برنامه بازپرداخت تسهیلات بانکی» با «برنامه درآمدزایی بنگاه تولیدی» و جلوگیری از امهال‌های مکرر و شبهه‌ناک در شبکه بانکی است. در طول دوره اجرای پروژه که بنگاه اقتصادی از درآمدزایی برخوردار نیست، صرفاً سود تسهیلات بازپرداخت می‌شود؛ اما در سررسید که پروژه به مرحله بهره‌برداری، فروش، و درآمدزایی می‌رسد، اصل تسهیلات توسط مشتری بازپرداخت می‌شود. این راهکار به‌طور خاص برای آن دسته از بنگاه‌های تولیدی که با بانک وارد رابطه اهرمی بلندمدت شده‌اند (اصطلاحاً مشتریان همیشه‌سبز) قابلیت استفاده دارد. در نهایت، توصیه سیاستی این تحقیق ضرورت اصلاح دستورالعمل اجرایی عقد مرابحه توسط بانک مرکزی در راستای بسترسازی برای استفاده از سازوکار جدید است.

در نظام مالی کشور، تأمین مالی بخش حقیقی اقتصاد یکی از دغدغه‌های اصلی اقتصاد کشور در شرایط رکود اقتصادی محسوب می‌شود و در صورتی که به شیوه صحیح انجام شود، می‌تواند به افزایش تولید کل اقتصاد و اشتغال منجر شود. بر این اساس در حال حاضر، طراحی ابزارها و شیوه‌هایی که به تسهیل تأمین مالی تولید در اقتصاد کشور منجر شود، از اهمیت بسیاری برخوردار است. از طرف دیگر، بنگاه‌های تولیدی معمولاً در بازپرداخت اقساط تسهیلات بانکی با چالش‌هایی مواجه می‌شوند که به‌طور خاص در شرایط رکود اقتصادی، این مسئله سبب ایجاد مشکلاتی برای بانک و بنگاه می‌شود؛ چرا که اخلاف در برنامه بازپرداخت اقساط از یک طرف سبب بالا رفتن نسبت مطالبات غیرجاری در بانک شده و از سوی دیگر باعث می‌شود رتبه اعتباری مشتری نزد شبکه بانکی کاهش یابد (شعبانی و جلالی، ۱۳۹۰، ص. ۲۵).

متنوع‌سازی ابزارها، قراردادهای و راهکارهای نظام بانکی در مسیر بازپرداخت اقساط می‌تواند به نیازهای مشتریان با سلیق گوناگون پاسخ دهد و به‌صورت درون‌زا از ایجاد مشکلات ذکر شده جلوگیری کند. در واقع، متناسب‌سازی برنامه بازپرداخت بدهی در ابزارها و قراردادهای بانکی با نیازهای مشتریان، خطر ایجاد اخلاف در برنامه بازپرداخت مشتری را کاهش می‌دهد (ساندرز و کورنت^۱، ۲۰۱۸، ص. ۱۶۷).

در این رابطه، در دانش تأمین مالی شرکتی متعارف، انواع وام‌ها از منظر شیوه بازپرداخت به سه گروه عمده تقسیم می‌شوند که عبارت‌اند از: «وام‌های تنزیلی^۲»، «وام‌های مستهلک‌شونده^۳» و «وام‌های تفکیکی^۴» (تفکیک بین برنامه بازپرداخت اصل و بهره). در حالی که در وام‌های تنزیلی، وام‌گیرنده اصل و بهره وام را به صورت یکجا در سررسید پرداخت می‌کند، در وام‌های مستهلک‌شونده اصل و بهره به صورت تدریجی بازپرداخت می‌گردد. در نهایت در وام‌های تفکیکی، بهره وام به صورت تدریجی بازپرداخت شده و اصل وام در سررسید بازپرداخت می‌گردد (راس و دیگران^۵، ۲۰۱۸، ص. ۱۷۴).

با توجه به اینکه در بانکداری بدون ربا تاکنون دو روش بازپرداخت تنزیلی و مستهلک‌شونده مورد استفاده قرار گرفته اما روش تفکیکی چندان مورد توجه نبوده، هدف پژوهش حاضر ارائه سازوکار جدید استفاده از عقد مرابحه برای اعطای تسهیلات با رویکرد قسط‌بندی کوتاه‌مدت سود و بلندمدت اصل تسهیلات است که باعث می‌شود سازگاری بین جریان درآمدی بنگاه اقتصادی و برنامه بازپرداخت اقساط ایجاد شود. با توجه به آنچه مطرح شد، سؤالاتی که در این پژوهش (به روش تحلیلی-توصیفی) به آن‌ها پاسخ داده می‌شود عبارت‌اند از:

۱. مدل جدید استفاده از عقد مرابحه با رویکرد قسط‌بندی متفاوت اصل و سود چگونه قابلیت اجرا در شبکه بانکی خواهد داشت؟
۲. ضرورت مدل ارائه‌شده چیست و چه مشکلی از شبکه بانکی و گیرندگان تسهیلات (به‌ویژه تولیدکنندگان) را برطرف می‌کند؟
۳. مبانی فقهی و حقوقی مدل جدید و نکات مهم فقهی در این رابطه کدام است؟
۴. محاسبه میزان اقساط و سود پرداختی توسط مشتری در این سازوکار در مقایسه با روش‌های موجود در نظام بانکی کشور، چگونه انجام می‌شود و چه نکاتی به همراه دارد؟

ساختار تحقیق بدین‌صورت است که پس از مقدمه و سابقه تحقیق، ابتدا مبانی نظری تحقیق موردبررسی واقع می‌شود و در ادامه، مبانی فقهی و امکان‌سنجی استفاده از عقد مرابحه با رویکرد جدید موردبحث قرار می‌گیرد. سپس الگوهای عملیاتی استفاده از تسهیلات جدید در شبکه بانکی کشور تبیین می‌شود و در ادامه، شیوه محاسبه میزان سود و اقساط در سازوکار جدید در مقایسه با روش‌های فعلی (مورد استفاده در شبکه بانکی) موردبحث قرار می‌گیرد. بخش پایانی به جمع‌بندی، توصیه‌های سیاستی، و ارائه پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی می‌پردازد.

¹ Saunders and Cornett

² Discount Loans

³ Amortized Loans

⁴ Interest-Only Loans

⁵ Ross et al.



۲ سابقه تحقیق

در سال‌های اخیر پژوهش‌های گوناگونی در رابطه با عقد مرابحه و انواع روش‌های استفاده از آن در بازارهای پول و سرمایه انجام شده است که در این قسمت به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

موسویان (۱۳۸۶) طراحی کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا بر اساس بیع مرابحه را مورد بحث قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که روابط حقوقی حاکم بر معامله‌های کارت‌های اعتباری متعارف در مواردی به ربا و خلاف شرع منتهی می‌شود. بر این اساس، ضرورت دارد راهکاری پیدا شود که در عین مشروعیت، قابلیت سامان دادن معامله‌های کارت‌های اعتباری را داشته باشد. در این تحقیق الگوی عملیاتی استفاده از عقد مرابحه برای طراحی کارت‌های اعتباری ارائه می‌شود.

موسویان و بازوکار (۱۳۹۰) امکان‌سنجی کاربرد مرابحه در بانکداری بدون ربا را با در نظر گرفتن ضوابط فقه امامیه مورد بحث قرار می‌دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که استفاده درست از این عقد می‌تواند گشایش‌های خوبی برای صنعت بانکداری کشور به وجود آورد و انطباق نظام بانکی با اقتصاد و نیازهای واقعی جامعه را افزایش دهد. در این تحقیق همچنین روش‌های استفاده از عقد مرابحه در صنعت بانکی مورد بحث قرار گرفته است.

توحیدی و اعتصامی (۱۳۹۵) امکان‌سنجی فقهی انتشار اوراق مرابحه مصون از تورم در بازار سرمایه ایران را مورد بحث قرار می‌دهند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که اوراق مصون از تورم اوراقی است که با پیوند دادن بازدهی اوراق به یک شاخص تورمی، از یک سو قدرت خرید سرمایه‌گذاران را در شرایط تورمی حفظ می‌کنند و از سوی دیگر، در شرایطی که انتظارات تورمی کاهش یافته است، سبب کاهش هزینه‌های تأمین مالی برای ناشر می‌شود؛ همچنین از منظر ضوابط فقهی، امکان انتشار اوراق مرابحه مصون از تورم بر اساس موازین فقه امامیه (با در نظر گرفتن برخی ملاحظات) وجود دارد.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، تحقیقات گذشته به‌طور عمده مسئله استفاده از عقد مرابحه در نظام پولی و مالی کشور و روش‌های کاربردی برای استفاده از این عقد را مطرح کرده است؛ اما تحقیقی که در آن مسئله متنوع‌سازی روش‌های بازپرداخت در تسهیلات مرابحه مورد توجه قرار گرفته باشد، تاکنون انجام نشده است. در عمل نیز شبکه بانکی تاکنون از این شیوه استفاده نکرده است؛ البته در مردادماه ۱۳۹۹، طرح اعطای تسهیلات بانکی به مستأجران بر اساس عقد مرابحه با رویکرد بازپرداخت اصل بعد از سررسید مطرح شد،^۱ اما مبانی، مستندات فقهی-حقوقی، و گزارش‌های توجیهی مرتبط با این راهکار تاکنون ارائه نشده است. بر این اساس، پژوهش حاضر مبانی نظری و روش‌های عملیاتی استفاده از این شیوه را مورد بحث قرار داده و از این منظر دارای نوآوری است.

۳ آسیب‌شناسی وضع موجود نظام بانکی از منظر بازپرداخت تسهیلات

نامتوازن بودن اقساط بانکی با توان بازپرداخت مشتریان یکی از مشکلات مهم تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی در کشور محسوب می‌شود که در شرایط رکودی، بیشتر خود را نشان می‌دهد. به‌طور مشخص، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی همواره با این تقاضا از طرف تولیدکنندگان و برخی دیگر از مشتریان مواجه‌اند که سود تسهیلات به‌صورت اقساطی و اصل تسهیلات در سررسید (یا بعد از سررسید) پرداخت شود. با این حال در بسیاری از عقود اسلامی مانند فروش اقساطی، هر نوع تمدید در بازپرداخت اصل منابع با شبهه ربای در دین (ربای جاهلی) مواجه است؛ چرا که در این عقود، بدهی در زمان انعقاد قرارداد شکل می‌گیرد و اینکه در سررسید بخشی از آن پرداخت شده و بخش دیگر (اصل) با در نظر گرفتن عنصر سود تمدید شود، با شبهه افزایش بدهی در مقابل افزایش زمان (ربای جاهلی) مواجه خواهد شد که به لحاظ فقهی قابل پذیرش نیست (مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۷، ص. ۹۵).

در عمل برخی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی برای حل این مشکل از تولیدکنندگان و مشتریان خود می‌خواهند که تا مدت‌زمان بسیار کوتاهی (یک روز و حتی چند ساعت) اصل تسهیلات دریافتی را به حساب بانک واریز کنند و مجدداً تسهیلات جدید با شرایط مشابه (با تغییر سرفصل) برای آن‌ها در نظر گرفته شود. با این حال به نظر می‌رسد این راهکار کارآمدی لازم را ندارد؛ چرا که

^۱ برای دریافت اطلاعات تکمیلی در رابطه با این شیوه می‌توان به تارنمای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به این آدرس مراجعه کرد:



در بسیاری از موارد، مشتری به دلایل گوناگون توانایی واریز اصل منابع برای مدت کوتاه را نیز ندارد و از طرف دیگر، این فرایند به معنی طی شدن تشریفات پرداخت تسهیلات و امضای فرم‌های مرتبط است که پیچیدگی‌های خاصی به همراه خواهد داشت.^۱ توضیح آنکه بسیاری از تولیدکنندگان و مشتریان حقوقی بانک‌ها رابطه اهرمی دائمی با بانک‌ها دارند و اصطلاحاً «مشتریان همواره سبز» نامیده می‌شوند. در واقع، این گروه از مشتریان فقط یک بار از بانک تسهیلات دریافت نمی‌کنند، بلکه تا سقف اعتباری مشخص، منابع بانک به صورت پیوسته در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد و رابطه اهرمی میان مدت یا بلندمدت بین آن‌ها و بانک شکل می‌گیرد. در این شرایط، اینکه این دسته از مشتریان هر بار که متقاضی بازپرداخت سود و تمدید اصل تسهیلات باشند موظف به واریز کوتاه مدت منابع و دریافت تسهیلات مجدد (با طی کردن بروکراسی‌های متعارف بانکی) باشند، هزینه‌های مبادلاتی فعالیت بانکی را افزایش می‌دهد.

۴ ضرورت اقتصادی استفاده از تسهیلات جدید

به نظر می‌رسد استفاده از سازوکار جدید عقد مرابحه در مقایسه با روش فعلی (بازپرداخت اصل و سود تسهیلات در هر قسط) مزیت‌های فراوانی برای تولیدکنندگان و مشتریان بانکی به همراه دارد که در این قسمت به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

۴-۱ حمایت از تولید و بخش حقیقی اقتصاد

بدون شک، یکی از اهداف نظام بانکداری اسلامی ایجاد ارتباط مستقیم میان روابط پولی و بخش حقیقی اقتصاد است. شاید به همین دلیل است که در کلیه عقود اسلامی (شامل عقود مشارکتی و مبادله‌ای)، وجود ارتباط بین بخش پولی و بخش حقیقی مورد تأکید کامل است و بخش اعتباری به هیچ عنوان نمی‌تواند جدای از بخش حقیقی رشد یابد و گسترده شود (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷، ص. ۲۵). این در حالی است که در نظام بانکداری متعارف، چه برای نیازهای مصرفی و چه برای نیازهای سرمایه‌گذاری، از قراردادهای استقراضی استفاده و نرخ بهره در بازار پول (و به نحو برون‌زا از بخش حقیقی اقتصاد) تعیین می‌شود. در واقع، الزامی وجود ندارد که تأمین مالی انجام شده توسط نظام بانکی به تولید کالا یا خدمتی در بخش حقیقی اقتصاد بینجامد (توتونچیان، ۱۳۷۹، ص. ۹۴). در اینجا لازم است توجه شود، وجود ارتباط بین بخش پولی و حقیقی اقتصاد منجر به آن می‌شود که هر نوع جابه‌جایی پول و اعتبار در بازار پول اسلامی متناظر و متناسب با جابه‌جایی کالا یا خدمتی در بخش حقیقی اقتصاد باشد. این موضوع باعث می‌شود بخش اعتباری صرفاً متناسب با بخش حقیقی اقتصاد رشد کند و نتواند رشدهای صورتی که ناشی از سفته‌بازی‌های ناصحیح است، داشته باشد. این مسئله به اذعان پژوهشگران یکی از دلایل بحران مالی سال ۲۰۰۸ در اقتصاد غرب بوده است (چپرا^۲، ۲۰۰۸، ص. ۱۰). مقوله ارتباط بخش پولی و بخش حقیقی اقتصاد در قانون عملیات بانکی بدون ربا (به عنوان قانون مرجع در نظام بانکی کشور) نیز مورد توجه قرار گرفته است. در این رابطه، ماده ۱ قانون در تبیین اهداف نظام بانکی بیان می‌دارد: «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور». علاوه بر این، می‌توان مسئله حمایت بخش پولی و بانکی از نیازهای بخش واقعی اقتصاد را راهکاری مؤثر در راستای تحقق «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی»، «سیاست‌های کلی تولید ملی»، و شعارهای سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ در نظر گرفت. با توجه به آنچه مطرح شد، به نظر می‌رسد الگوی جدید اعطای تسهیلات مرابحه (که در آن امکان قسطبندی کوتاه مدت سود و بلندمدت اصل تسهیلات برای بنگاه‌های تولیدی در نظر گرفته می‌شود) سازگاری بیشتری با ملاحظات بخش واقعی اقتصاد و نیازهای تولیدکنندگان دارد؛ چرا که در این روش، عمده بدهی بنگاه اقتصادی زمانی بازپرداخت می‌شود که امکان فروش محصول (کالا یا خدمت) و دستیابی به نقدینگی برای بنگاه فراهم شده است. در واقع، استفاده از این الگو به تسهیل تأمین مالی منجر شده و سبب پاسخگویی بهتر به نیازهای تولیدکنندگان می‌شود.

۴-۲ متناسب‌سازی برنامه بازپرداخت تسهیلات بانکی با درآمدزایی بنگاه اقتصادی

یکی دیگر از ویژگی‌های استفاده از الگوی جدید تسهیلات مرابحه در شبکه بانکی ایجاد ارتباط بین برنامه بازپرداخت اقساط با برنامه درآمدزایی بنگاه اقتصادی است. توضیح آنکه، معمولاً بنگاه‌های اقتصادی در سال‌های اولیه تولید با درآمدزایی خاصی مواجه نیستند و

^۱ نویسندگان در تدوین این گزارش، علاوه بر بررسی مستندات موجود، از مصاحبه شفاهی با برخی کارشناسان بانکی برای درک بهتر چالش‌های موجود استفاده کرده‌اند.

^۲ Chapra



معمولاً زمانی بین دو تا سه سال طول می‌کشد تا پروژه‌های تولیدی به مرحله راه‌اندازی و بهره‌برداری برسد. با این حال، تولیدکنندگان در الگوی رایج در شبکه بانکی از زمان دریافت تسهیلات باید اقساط بانک را (که هر قسط شامل بخشی از اصل و بخشی از سود می‌شود) بپردازند و این سبب ایجاد اخلال در برنامه‌ریزی تولیدکنندگان می‌شود.

با این حال در الگوی جدید، بانک این فرصت را برای تولیدکننده در نظر می‌گیرد که در سال‌های نخست که بنگاه به درآمدزایی نرسیده است، صرفاً سود تسهیلات بازپرداخت شود و اصل تسهیلات پس از راه‌اندازی و بهره‌برداری از پروژه که به معنای ایجاد جریان درآمدی برای مشتری است، به صورت دفعی یا اقساطی (با اقساط مساوی یا نامساوی)، بازپرداخت شود. این موضوع سبب افزایش رضایت بنگاه تولیدی در خصوص پرداخت اقساط می‌شود و احتمال تأخیر در بازپرداخت را کاهش می‌دهد.

۴-۳ استطاعت‌پذیر کردن اقساط برای بنگاه‌های اقتصادی

متناسب‌سازی میزان اقساط با توانایی بازپرداخت یا استطاعت بنگاه اقتصادی از دیگر ویژگی‌های تسهیلات جدید است. به عنوان مثال، می‌توان فرض کرد که یک بنگاه اقتصادی تسهیلات مرابحه به مبلغ ۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال برای اجرای یک طرح تولیدی دریافت کرده که نرخ سود آن ۱۸ درصد بوده و مدت بازپرداخت ۶۰ ماهه است. در الگوی عادی و رایج در شبکه بانکی که هر قسط شامل بخشی از سود و بخشی از اصل می‌شود، میزان هر قسط برابر با ۲۵,۹۳۴,۳۰۰ ریال است؛ اما اگر الگوی جدید مبنای قرار گیرد و بر اساس آن صرفاً سود در طول دوره بازپرداخت شده و اصل منابع در سررسید بازپرداخت شود، آنگاه اقساط ماهیانه برابر با ۱۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌شود (جزئیات اعداد به دست آمده در بخش ۶ طرح می‌شود).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، میزان اقساط در الگوی اول ماهانه ۷۲ درصد بیشتر از میزان اقساط در الگوی جدید است. به عبارت دیگر، استفاده از روش جدید عملاً سبب می‌شود میزان اقساط برای بنگاه تولیدی به میزان قابل توجهی کاهش یابد و در استطاعت قرار گیرد. این موضوع به بنگاه کمک می‌کند تا زمان درآمدزایی پروژه، اقساط ماهیانه کمتری بپردازد. توجه به این نکته و در نظر گرفتن مقوله تورم در اقتصاد کشور، الگوی جدید تأمین مالی مرابحه را به گزینه‌ای جذاب برای بسیاری از بنگاه‌های تولیدی تبدیل می‌کند.

۴-۴ کاهش مطالبات غیرجاری، جرائم تأخیر و استمهال در شبکه بانکی

همان‌طور که بسیاری از تحقیقات نشان داده‌اند، مسئله بالا بودن مطالبات غیرجاری و درخواست استمهال مکرر از سوی مشتریان بانکی یکی از چالش‌های اصلی و ساختاری نظام بانکی کشور است که مشکلات فراوانی برای مشتریان، شبکه بانکی، بانک مرکزی، دولت، و دستگاه قضایی ایجاد کرده است. این چالش خود سبب ایجاد مسائل دیگری در نظام بانکی شده است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از ایجاد فضای بی‌اعتمادی و سوءظن، کاهش منابع بانک‌ها و پایین آمدن قدرت تسهیلات‌دهی آن‌ها، دور شدن بانک‌ها از هدف اصلی خود یعنی واسطه‌گری، تحمیل هزینه‌های مرتبط با پیگیری وصول مطالبات (شامل صدور اجرائیه، پیگیری‌های قضایی، و غیره) به بانک‌ها، افزایش سخت‌گیری در امر وثیقه‌ها و ضمانت‌ها، و در نهایت افزایش نرخ‌های سود قراردادهای مدت‌دار برای پوشش ریسک مطالبات معوق (شعبانی و جلالی، ۱۳۹۰، ص. ۲۱).

علاوه بر موارد ذکر شده، افزایش مطالبات غیرجاری به معنی افزایش جریمه تأخیر تأدیه دریافتی از مشتریان است که همواره به عنوان یکی از شبهات شرعی اصلی در ارزیابی عملیات بانکی بدون ربا از سوی مراجع تقلید و فقها مطرح می‌شود؛ چراکه هرچند شورای نگهبان دریافت جریمه تأخیر تأدیه به صورت شرط ضمن عقد (تحت عنوان وجه التزام) را می‌پذیرد، بسیاری از فقها یا با اصل ایده جواز دریافت جریمه تأخیر در قالب حقوقی وجه التزام و یا شیوه اجرای آن در عمل مخالف هستند. این دسته از فقها معتقدند درج هرگونه شرط زیاده در قرارداد قرض، ولو به صورت شرط وجه التزام، مصداق زیاده مشروط در قرارداد قرض است که با چالش ربای قرضی مواجه است؛ زیرا بر اساس ادله حرمت ربا، هرگونه زیاده مشروط در عقد قرض تحت هر عنوان ناصحیح است، خواه این زیاده در همان عقد به صورت شرط ذکر شود خواه در عقدی دیگر مطرح شود. وجه التزام در سایر قراردادها نیز می‌تواند مصداق افزایش مبلغ بدهی در مقابل افزایش مدت باشد که ربای جاهلی محسوب می‌شود (حسینی، ۱۳۹۶، ص. ۱۴؛ موسویان و ملاکریمی، ۱۳۹۵، ص. ۱۱).

با این حال، به نظر می‌رسد یکی از علت‌های افزایش مطالبات غیرجاری و درخواست‌های استمهال در شبکه بانکی نامتناسب بودن اقساط بانکی با شرایط اقتصادی تولیدکنندگان و مشتریان حقوقی است. این در حالی است که راهکار جدید با منطقی کردن برنامه بازپرداخت بدهی با جریان درآمدی بنگاه عملاً زمینه شکل‌گیری مطالبات غیرجاری را کاهش می‌دهد.



۵ مبانی فقهی- حقوقی استفاده از روش جدید کاربرد عقد مرابحه

پیش از بررسی مدل‌های عملیاتی استفاده از سازوکار جدید کاربرد عقد مرابحه، لازم است تا مبانی فقهی قرارداد مرابحه و امکان‌سنجی فقهی فاصله‌گذاری بین بازپرداخت سود و بازپرداخت اصل تسهیلات مورد بحث قرار گیرد. بر این اساس، در این قسمت به صورت مختصر به تبیین مبانی فقهی مرابحه در راستای استفاده از الگوی جدید پرداخته می‌شود.

۵-۱ تعریف مرابحه

قرارداد مرابحه یکی از شقوق عقد بیع است که در آن فروشنده قیمت تمام‌شده کالا (اعم از قیمت خرید، هزینه‌های حمل و نقل و نگهداری، و سایر هزینه‌های مرتبط) را به اطلاع مشتری می‌رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود (نقدی یا نسیه) به خریدار می‌فروشد. به طور مثال، اعلام می‌کند این کالا را ۱۰ میلیون ریال خریداری کرده و حاضر است ۱۲ میلیون ریال (بیست درصد سود) به مشتری بفروشد.

عقد مرابحه از جمله عقود است که در بانک‌های اسلامی سایر کشورها به صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. در نظام بانکی کشور نیز تا سال ۱۳۸۹، فقط نوعی خاص از قرارداد مرابحه (فروش اقساطی) در قانون عملیات بانکی بدون ربا ایران وجود داشت؛ اما در این سال و با تصویب قانون برنامه پنجم توسعه، قراردادهای مرابحه، خرید دین، و استصناع به فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا اضافه شد. پیرو آن، هیئت وزیران به پیشنهاد بانک مرکزی و با استناد به ماده ۹۸ قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، آئین‌نامه قرارداد مرابحه را ابلاغ کرد.

بر اساس تعریف آئین‌نامه، مرابحه قراردادی است که به موجب آن، عرضه‌کننده بهای تمام‌شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می‌رساند و سپس با افزودن مبلغ یا درصدی اضافی به عنوان سود، آن را به صورت نقدی یا نسیه دفعی (اقساطی) به اقساط مساوی یا غیرمساوی در سررسید یا سررسیدهای معین به متقاضی واگذار می‌کند. در متن آئین‌نامه ضوابطی نیز برای استفاده بانک‌ها از این عقد مطرح شده است که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف- بانک‌ها می‌توانند به منظور رفع نیازهای واحدهای تولیدی، خدماتی، و بازرگانی و برای تهیه مواد اولیه، لوازم یدکی، ابزار کار، ماشین‌آلات، تأسیسات، زمین، و سایر کالاها و خدمات مورد احتیاج این واحدها و نیازهای خانوارها برای تهیه مسکن، کالاهای بادوام مصرفی و خدمات، به سفارش و درخواست متقاضی این اموال و خدمات را تهیه و تملک کرده و سپس آن را در قالب مرابحه به متقاضی واگذار کنند؛

ب- بانک‌ها مکلف‌اند قبل از انعقاد مرابحه اطمینان یابند اصل منابع و سود متعلقه در طول مدت قرارداد قابل برگشت است؛

پ- اعطای تسهیلات در قالب مرابحه با توجه به بهای تمام‌شده و سود بانک تعیین خواهد شد؛ و

ت- بانک‌ها مکلف‌اند تمهیدات لازم را برای استفاده از ابزارها و کارت‌های الکترونیکی در قالب مرابحه فراهم کنند.

علی‌رغم فراهم شدن بستر قانونی و مقرراتی از سال ۱۳۸۹، استفاده عملیاتی بانک‌ها از ابزار مرابحه چندان قابل توجه نبوده است و به دلیل جدید بودن این عقد، ناآشنایی نظام بانکی، و برخی ملاحظات اجرایی هنوز عقد مرابحه آن‌طور که انتظار می‌رفت در نظام بانکی کشور توسعه پیدا نکرده است (موسویان و کیقبادی، ۱۳۹۴، ص. ۱۵).

۵-۲ روایات مرتبط با مرابحه

بررسی کتاب‌های روایی اسلامی نشان می‌دهد که انواع قرارداد مرابحه در روایت‌های متعدد و معتبری از ائمه اطهار مطرح شده و مورد تأیید قرار گرفته است. در این قسمت به برخی از این روایات اشاره می‌شود.

حدیث اول: «یحیی بن حجاج می‌گوید: از امام صادق (ع) سؤال کردم در مورد مردی که به من می‌گوید این لباس یا این حیوان را برای من خریداری کن و به من بفروش و به تو این قدر سود می‌دهم. امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد؛ آن‌ها را خریداری کن و قبل از اینکه بیع را برای خودت قطعی نکرده‌ای یا کالا را خریداری نکرده‌ای، برای او ایجاب نکن» (عاملی، ۱۴۰۹ ق.، ج. ۱۸، ص. ۴۲).

^۱ «عن یحیی بن الحجاج قال: سألت الصادق (ع) عن رجل قال لی اشتر هذا الثوب و هذه الدابة و بعینها اریحک فیها کذا و کذا؟ قال: لا بأس بذلک؛ اشترها و لا تواجه البیع قبل أن تستوجبها أو تشتريها».



حدیث دوم: امام صادق (ع) می‌فرماید: «اشکالی ندارد کالایی را که هنوز مالک نشده‌ای بفروشی؛ به این صورت که ابتدا قرار می‌گذاری، سپس کالا را به نحوی که مشتری مطالبه می‌کند برای خودت قطعی می‌کنی، آنگاه به مشتری می‌فروشی»^۱ (همان، ص. ۷۵).

حدیث سوم: «عبدالحمید بن سعد می‌گوید، به امام کاظم (ع) گفتم: ما در معاملاتمان در رابطه با عینه چنین می‌کنیم؛ چه بسا کسی سراغ ما می‌آید و قصد خرید کالایی دارد که ما نداریم. پس با او گفت‌وگو می‌کنیم و قبل از اینکه کالا را خریداری کنیم بر سر قیمت با او به توافق می‌رسیم. سپس کالا را خریداری می‌کنیم و به همان قیمتی که با هم توافق کرده بودیم به او می‌فروشیم؛ نه چیزی زیاد می‌کنیم و نه چیزی کم. امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد»^۲ (همان، ص. ۵۲).

حدیث چهارم: «محمد بن مسلم می‌گوید، از امام باقر (ع) سؤال کردم در مورد مردی که نزد مردی دیگر آمده است و می‌گوید کالایی برای من خریداری کن، شاید به صورت نقد یا نسیه از تو خریداری کنم. پس وی کالا را به خاطر او خریداری می‌کند. امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد؛ همانا از او خریداری می‌کند، بعد از آنکه مالک شد»^۳ (همان).

حدیث پنجم: «منصور بن حازم می‌گوید، به امام صادق (ع) گفتم: گاهی فردی از فرد دیگر قصد معامله عینه دارد؛ به این صورت که سراغ وی می‌آید و می‌گوید: من به نیاز خودم آگاه‌تر از تو هستم، پولی در اختیار من بگذار تا مایحتاج خود را خریداری کنم. پس دراهم را می‌گیرد و مایحتاج خود را خریداری می‌کند. سپس آن‌ها را پیش صاحب پول می‌آورد و صاحب پول کالا را به وی می‌فروشد. امام (ع) فرمود: آیا هر یک از این دو اختیار دارد که اگر بخواهد خریداری کند و اگر بخواهد ترک کند و بایع هم اگر بخواهد بفروشد و اگر بخواهد ترک کند؟ گفتم: بله چنین اختیاری دارند؛ امام (ع) فرمود: اشکالی ندارد»^۴ (همان، ص. ۵۵).

حدیث ششم: «اسماعیل بن خالق می‌گوید، از امام کاظم (ع) در مورد معامله عینه سؤال کردم و گفتم: بسیاری از تجار ما امروزه معاملات عینه دارند و من برای شما توضیح می‌دهم که چه کار می‌کنیم. امام (ع) فرمود: توضیح بده. گفتم معامله‌گری پیش ما می‌آید و کالایی را می‌خواهد، با هم گفت‌وگو می‌کنیم در حالی که کالا را نداریم، به ما می‌گوید: به تو سود می‌دهم ده به یازده و من می‌گویم ده به دوازده. با هم چانه می‌زنیم تا به نرخی توافق می‌کنیم. بعد از فراغ از تعیین سود، می‌پرسم چه کالایی را قصد داری تا برایت بخرم؟ ... امام (ع) فرمود: آیا مشتری اختیار دارد اگر بخواهد خریداری نکند و شما هم اگر بخواهید نفروشید؟ گفتم: بله چنین اختیاری وجود دارد؛ و اگر هم در این بین مال تلف شود، از مال ما تلف شده است. امام (ع) فرمود: اشکالی در این معامله نمی‌بینم»^۵ (همان، ص. ۶۵).

با ارزیابی کلی احادیث امامیه در رابطه با مرابحه (که در بالا به برخی از مهم‌ترین آن‌ها اشاره شد)، می‌توان به این نتیجه رسید که انواع مختلف این معامله (البته با رعایت ضوابط فقهی) صحیح است و در صحت اصل این معامله هیچ نوع شک و شبهه‌ای وجود ندارد. همچنین، در روایات مرابحه هیچ نوع محدودیت و یا ضابطه‌ای در رابطه با شیوه بازپرداخت بدهی توسط خریدار مطرح نشده و این مسئله تابع توافق طرفین است.

۵-۳ ضوابط فقهی مرابحه

قرارداد مرابحه در اکثر کتب فقهی معتبر مورد بحث قرار گرفته است و فقهای شیعه بحث از این قرارداد را در ذیل باب بیع مطرح کرده‌اند. در واقع، فقها ضمن ارائه تعریف دقیق از مرابحه، به ذکر ویژگی‌ها و ضوابط فقهی این عقد پرداخته‌اند.

در حالی که درباره صحت مرابحه بر روی اعیان بین فقها اتفاق نظر وجود دارد، این مسئله در رابطه با منافع و خدمات، محل بحث است. برخی از فقها چون شیخ انصاری، صاحب جواهر، و آیت‌الله خوبی صدق بیع بر چنین معامله‌هایی را انکار و استفاده عرف مردم از کلمه بیع در این موارد را بر تسامح حمل می‌کنند و معتقدند مقصود عرف انتقال منافع در قالب قراردادهایی چون اجاره، جعاله، یا مصالحه است. در مقابل برخی دیگر از فقها، چون امام خمینی (ره)، آیت‌الله خامنه‌ای، و آیت‌الله مکارم شیرازی عین بودن مورد معامله

^۱ «لا بأس بأن تبع الرجل المتاع ليس عندك تساومه ثم تشتري له نحو الذي طلب ثم توجه على نفسك ثم تبعه منه بعد».

^۲ «عن عبدالحمید بن سعد قال: قلت لأبي الحسن (ع) إنا نعالج هذه العينة وربما جاء الرجل يطلب البيع وليس هو عندنا فنسأومه ونقاطعه على سعره قبل أن نشتريه؛ ثم نشتري المتاع، فنبيعه إياه بذلك السعر الذي نقاطعه عليه. لا نزيد شيئاً ولا ننقصه؛ قال: لا بأس».

^۳ «عن محمد بن مسلم قال: سألت الباقر (ع) عن رجل أتاه رجل فقال ابتع لي متاعاً لعلني أشتريه منك بنقد أو نسيه، فابتاعه الرجل من أجله، قال: ليس به بأس إنما يشتريه منه بعد ما يملكه».

^۴ «عن منصور بن حازم قال: قلت لأبي عبد الله (ع): الرجل يريد أن يتعين من الرجل عينة فيقول له الرجل أنا أبصر بحاجتي منك فأعطني حتى أشتري؛ فيأخذ الدرهم فيشتري حاجته، ثم يبيع بها إلى الرجل الذي له المال فيدفعها إليه. فقال: أليس إن شاء اشتري وإن شاء ترك وإن شاء الباع باعه وإن شاء لم يبيع؟ قلت: نعم، قال: لا بأس».

^۵ «إسماعيل بن عبد الخالق قال: سألت أبا الحسن (ع) عن العينة وقلت: إن عامه تجارنا اليوم يعطون العينة فأقص عليك كيف نعمل؟ قال: هات. قلت: ياتينا المساموم يريد المال فيسأومنا وليس عندنا متاع؛ فيقول: اربحك ده يازده وأقول أنا: ده دوازده. فلا نزال نتراوض حتى نتراوض على امر؛ فإذا فرغنا قلت: أي متاع احب إليك أن أشتري لك؟ ... فقال: أليس إنه لو شاء لم يفعل ولو شئت انت لم ترد؟ فقلت: بلى؛ لو أنه هلك فمن مالي. قال: لا بأس بهذا».



در عقد بیع را لازم نمی‌دانند و بر این باورند که می‌توان منافع و خدمات را نیز در قالب قرارداد بیع منتقل کرد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۴ ق. ج. ۱، ص. ۲۱).

البته هیچ‌یک از این فقها قائل به بطلان معامله نیستند؛ بلکه گروهی معتقدند معامله منافع و خدمات مطابق استعمال عرفی، همان خرید و فروش (بیع) است؛ اما گروه دوم اعتقاد دارند که قصد مردم از به‌کارگیری لفظ بیع برای انتقال منافع و خدمات به تناسب تحت عنوان قرارداد اجاره، جعله، و یا صلح قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است، دیدگاه اول که مدافعان بیشتری دارد، به تأیید شورای نگهبان رسیده و در شبکه بانکی کشور مبنای عمل است (موسویان، ۱۳۹۰، ص. ۲۵).

از منظر ضوابط فقهی، در قرارداد مرابحه نیز مشابه سایر عقود، لازم است ضوابطی مورد توجه قرار گیرد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از (نجفی، ۱۴۱۷ ق. ج. ۲۵، ص. ۳۱):

- تمام معاملات مبتنی بر بیع مرابحه با رعایت ضوابط صحیح است؛
- سود قرارداد مرابحه به صورت قطعی و از پیش تعیین شده مشخص می‌شود؛
- بیع مرابحه می‌تواند به صورت مستقیم و اصالتی یا به صورت وکالتی باشد؛
- در بیع مرابحه لازم است کالایی خریداری و به مشتری فروخته شود؛ یعنی در اقتصاد حقیقی باید پدیده‌ای رخ دهد؛
- در قرارداد مرابحه، فروش کالا به مشتری بعد از خرید و تملیک کالا واقع می‌شود و فروش قبل از خرید صحیح نیست؛
- نرخ سود قرارداد مرابحه می‌تواند به صورت مبلغ یا درصد (پیش از قرارداد) تعیین شود؛
- چنانچه فروشنده (بایع) در بیان قیمت خرید یا هزینه‌های مرتبط خلاف واقع بگوید، مشتری خیار فسخ پیدا می‌کند؛
- اگر کالا قبل از قبض توسط مشتری تلف شود، از مال فروشنده تلف شده است و فروشنده مسئول هزینه‌های مرتبط است (هر نوع تلف مبیع قبل از قبض بر عهده فروشنده است)؛^۱
- بیع مرابحه می‌تواند به صورت نقدی و یا نسیه و به صورت اصالتی یا وکالتی منعقد شود (البته در شبکه بانکی معمولاً معامله مرابحه نسیه و وکالتی کاربرد دارد)؛ و
- در قرارداد مرابحه امکان تمدید قرارداد همراه با افزایش بدهی برای طرفین وجود ندارد؛ چرا که با انعقاد قرارداد مرابحه بدهی شکل می‌گیرد. در واقع، ماهیت قرارداد مرابحه پرداخت وام قرضی نیست، بلکه فروش کالا به قیمتی است که در آینده پرداخت می‌شود. بر این اساس، زمانی که کالایی فروخته شد، مالکیت آن نیز به مشتری منتقل می‌شود و دیگر کالا ملک بانک نیست تا بتواند در ارتباط با آن، قرارداد مرابحه دیگری را منعقد کند؛ بنابراین، دریافت هرگونه مبلغ اضافی در مقابل تمدید قرارداد مرابحه به معنای افزایش بدهی در مقابل زمان بوده و از مصادیق روشن ربای جاهلی محسوب می‌شود.

۴-۵ کاربردها و ظرفیت‌های مرابحه برای جایگزینی سایر عقود بانکی

دقت در ماهیت فقهی- حقوقی قرارداد مرابحه نشان می‌دهد که این عقد می‌تواند برای خرید کلیه کالاها و خدمات مورد استفاده قرار گیرد که حداقل شامل این موارد می‌شود: خرید کالاهای سرمایه‌ای و بادوام مانند زمین، ساختمان، ماشین‌آلات، اتومبیل، کشتی، هواپیما، و غیره؛ خرید کالاهای واسطه‌ای و مصرفی مانند مواد اولیه، مصالح ساختمانی، مال‌التجاره کسب و کار، لوازم منزل، ابزار کار، مواد غذایی، و غیره؛ خرید خدمات مانند خدمات درمانی، تحصیلی، بیمه، سفر، تعمیر مسکن، تعمیر خودرو، هتل، رستوران، و غیره؛ و در نهایت خرید حقوق و امتیازات و اوراق مالی مانند حق سرقتی، حق واردات صادرات، حق استخراج و بهره‌برداری، سهام، خط تلفن و سیم‌کارت، و غیره.

همچنین عقد مرابحه به دلیل ماهیتی که دارد می‌تواند جایگزین سایر عقود اسلامی شود و از این طریق به ساده‌سازی، کاهش پیچیدگی‌ها، و در نهایت کاستن از هزینه‌های عملیاتی در بانکداری بدون ربا بینجامد. به‌طور مشخص، مرابحه می‌تواند به‌طور کامل جایگزین عقد فروش اقساطی شود. همچنین مرابحه برای خرید خدمات یا منافع ساختمان‌ها نیز قابلیت کاربرد دارد و از این جهت ظرفیت جایگزینی عقد جعله و اجاره در شبکه بانکی را نیز فراهم می‌کند. در نهایت، مرابحه می‌تواند در بخش تجارت برای خرید و فروش کالاها مورد استفاده قرار گیرد و از این منظر می‌توان آن را جایگزینی مناسب برای عقد مضاربه در شبکه بانکی در نظر گرفت (موسویان و میثمی، ۱۳۹۷، ص. ۳۵۳).

^۱ در قواعد فقهی در این باره آمده است: «کل مبیع قد تلف قبل قبضه فهو من مال بایعه» (محقق داماد، ۱۳۸۱، ص. ۴۱).



با توجه به آنچه مطرح شد، به نظر می‌رسد عقد مرابحه می‌تواند در صنعت بانکی کشور به صورتی گسترده کاربرد پیدا کند. بر این اساس، امکان طراحی انواع مدل‌های مرابحه مانند کارت اعتباری مرابحه (برای تأمین مالی نیازهای خرد مشتریان حقیقی)، مرابحه مرحله‌ای (با قابلیت واریز مرحله‌ای تسهیلات به حساب مشتری)، خط اعتباری مرابحه برای تولید (برای حمایت از فعالیت‌های تولیدی)، مرابحه پروژه‌ای (تأمین مالی پروژه‌های خاص)، مرابحه بازرگانی (به‌عنوان جایگزین عقد مضاربه)، مرابحه برای تأمین مالی خرد (پوشش نیازهای بنگاه‌های کوچک و متوسط)، مرابحه با کارکرد لیزینگ (به‌عنوان جایگزین عقد اجاره و اجاره به‌شرط‌تملیک)، مرابحه برای اعتبارات اسنادی (برای گشایش اعتبارات اسنادی)، مرابحه برای اعتبار در حساب جاری (پوشش کسری حساب مشتریان)، و غیره وجود دارد.

البته ظرفیت‌های گسترده مرابحه به‌معنای نبود محدودیت‌ها در این قرارداد نیست؛ چرا که عقد مرابحه نیز مانند سایر عقود با محدودیت‌های مشخصی مواجه است. به‌عبارت‌دیگر، تسهیلات دریافت‌شده بر اساس عقد مرابحه نمی‌تواند در چند موضوع مورد استفاده قرار گیرد که عبارت‌اند از خرید کالاها و خدمات نامشروع و غیرقانونی؛ پرداخت بدهی و پرداخت قرض یا هدیه نقدی به دیگران؛ و درنهایت، سپرده‌گذاری منابع دریافتی در همان بانک یا دیگر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی.

۵-۵ انواع روش‌های مشروع بازپرداخت بدهی در مرابحه

با انعقاد قرارداد مرابحه به‌صورت طبیعی بدهی (شامل اصل و سود) شکل می‌گیرد و لازم است بازپرداخت شود؛ اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا شیوه بازپرداخت بدهی در قرارداد مرابحه به‌لحاظ شرعی محدودیتی دارد؟ در پاسخ به این سؤال بررسی دقیق ماهیت فقهی و حقوقی این عقد نشان می‌دهد که شارع مقدس محدودیتی در این رابطه در نظر نگرفته است و این مسئله در زمره اصل آزادی قراردادها و همچنین قاعده شرط (جواز درج شروط ضمن عقد در قراردادها) قرار می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۴ ق. ج. ۱، ص. ۵۴).

درواقع، طرفین عقد مرابحه از آزادی عمل کامل در تعیین نحوه بازپرداخت بدهی (اصل و سود) و میزان اقساط برخوردارند و می‌توانند به هر صورتی که صلاح می‌دانند در این رابطه توافق کنند. در مرابحه نقدی، مشتری ثمن معامله را به‌صورت نقد و دفعتاً پرداخت می‌کند؛ اما در مرابحه نسبی، فروشنده کالای مورد معامله (مبیع) را با در نظر گرفتن سودی مشخص به‌صورت نسبی به مشتری می‌فروشد و ثمن آن را به‌صورت دفعی یا تدریجی در آینده دریافت می‌کند.

البته هرچند طرفین قرارداد در تعیین شیوه بازپرداخت اصل و سود در عقد مرابحه از آزادی عمل برخوردارند، این توافقات باید از ابتدا به شیوه روشن و شفاف در قرارداد ذکر شود و وجود هر نوع ابهام یا امکان تغییر در آن‌ها قبل از سررسید مرابحه سبب ایجاد شبهه غرر در این معاملات می‌شود (نظریور و دیگران، ۱۳۹۰، ص. ۲۱).

۶ ارائه روش‌های استفاده از سازوکار جدید کاربرد عقد مرابحه در شبکه بانکی کشور

با توجه به آنچه مطرح شد، مشخص می‌شود که هیچ نوع محدودیت شرعی در تعیین برنامه بازپرداخت اصل و سود در عقد مرابحه وجود ندارد. بر این اساس، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی می‌توانند انواعی از مدل‌های عملیاتی را در این رابطه طراحی کنند و حق انتخاب آن‌ها را به‌عنوان یک گزینه در اختیار کل مشتریان و یا مشتریان منتخب خود قرار دهند. درواقع، مشتری می‌تواند از بین انواع مدل‌های بازپرداخت تسهیلات بهترین گزینه را متناسب با شرایط خود انتخاب کند.

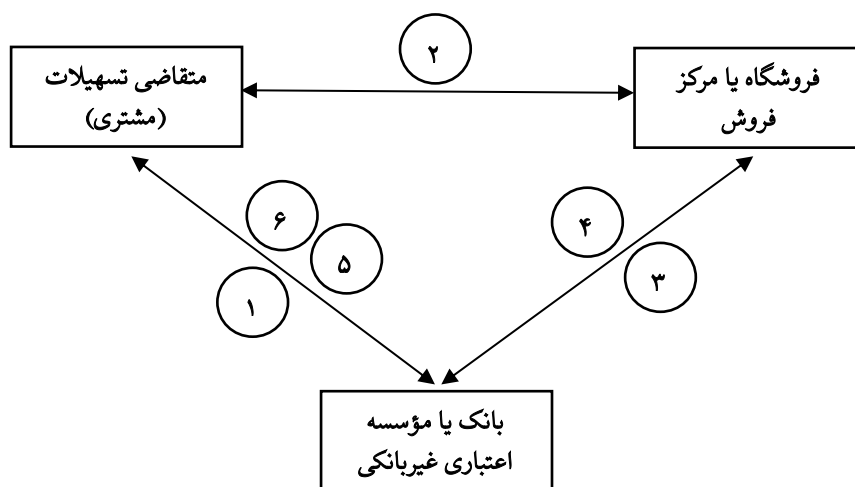
۶-۱ بازپرداخت اقساطی سود و دفعی اصل تسهیلات در سررسید

این مدل مخصوص شرایطی است که بانک قصد دارد سود را به‌صورت اقساطی و اصل تسهیلات را به‌صورت دفعی در سررسید از مشتری دریافت کند. در این الگو سه ذی‌نفع حضور دارند که عبارت‌اند از بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی، متقاضی تسهیلات (مشتری)، و درنهایت فروشنده (فروشگاه یا مرکز خدماتی). در عمل، بانک بعد از اعتبارسنجی مشتری متناسب با اعتبار وی سقف تسهیلات مرابحه قابل استفاده را تعیین کرده و طبق قرارداد، مشتری را وکیل در خرید نقدی برای بانک و سپس فروش کالا به‌صورت اقساطی به خود از طرف بانک می‌کند.

زمانی که مشتری در جایگاه وکیل بانک به فروشگاه مراجعه کرده و به خرید کالاها اقدام می‌کند، کارت تسهیلات مرابحه را در دستگاه پایانه فروش قرار می‌دهد و با انجام دادن این کار، بانک قیمت کالاها و خدمات را به فروشگاه پذیرنده کارت می‌پردازد و کالا را تملیک می‌کند. سپس بانک کالاها و خدمات خریداری‌شده را به دارنده کارت به‌صورت بیع مرابحه نسبی برای مدت‌زمان معین و با



نرخ سود مشخص می‌فروشد (به‌طور مثال، کالاها و خدمات خریداری‌شده را با احتساب نرخ سود ۲۰ درصد و با سررسید سه‌ساله به مشتری می‌فروشد). در ادامه، مشتری کالاها و خدمات خریداری‌شده را تملیک می‌کند و از فروشگاه تحویل می‌گیرد. در عمل، با دریافت کارت تسهیلات از بانک، وکالت در خرید اتفاق می‌افتد و با قرار دادن کارت در دستگاه پایانه فروش، بیع نقد کالا برای بانک و فروش اقساطی کالا توسط بانک به مشتری (به‌صورت هم‌زمان) اتفاق می‌افتد که هیچ اشکال شرعی ایجاد نمی‌کند. فقط مشتری باید متوجه این مطلب باشد که ابتدا برای بانک خریداری کرده است و سپس بانک کالا را به وی می‌فروشد؛ هرچند این معاملات هم‌زمان اتفاق می‌افتد. پس از اتمام عملیات خرید کالاها و خدمات توسط مشتری، عقد مباحه به‌لحاظ شرعی و حقوقی منعقد شده و مشتری نسبت به اصل و سود قرارداد به بانک بدهکار است. در اینجا به‌صورت شرط ضمن عقد در قرارداد درج می‌شود که مشتری سود تسهیلات را به‌صورت اقساطی به بانک بپردازد و اصل تسهیلات را نیز به‌صورت دفعی در سررسید بازگرداند (شکل ۱ ملاحظه شود).



شکل ۱. الگوی بازپرداخت اقساطی سود و دفعی اصل تسهیلات مباحه در سررسید

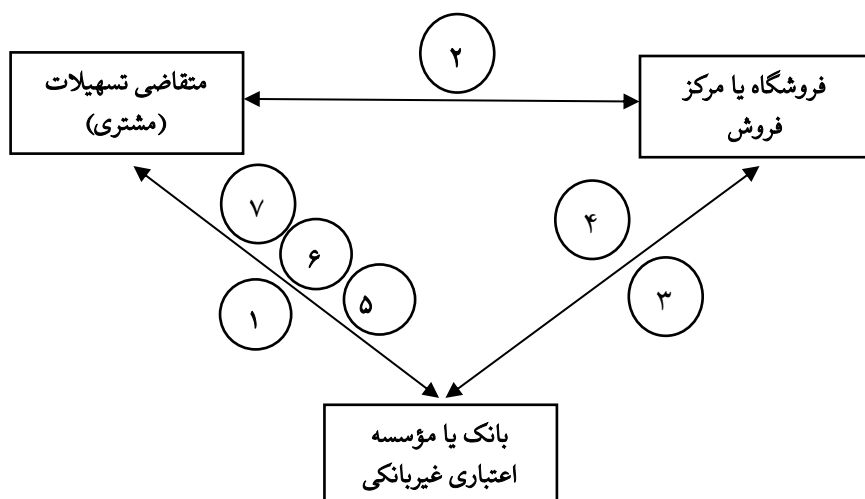
* رابطه‌های حقوقی در شکل ۱:

۱. اعتبارسنجی و صدور کارت اعتباری برای مشتری و اعطای وکالت در خرید برای بانک؛
۲. قرار دادن کارت در کارت‌خوان مرکز فروش توسط مشتری و خرید وکالتی کالاها و خدمات برای بانک؛
۳. ارسال اطلاعات موردنیاز از طریق فروشگاه به بانک و ارسال منابع لازم برای خرید از طریق بانک به فروشگاه؛
۴. تملک کالاها و خدمات خریداری‌شده توسط بانک؛
۵. فروش اقساطی کالاها و خدمات خریداری‌شده توسط بانک به مشتری؛ و
۶. بازپرداخت سود تسهیلات به‌صورت اقساطی و اصل به‌صورت دفعی در سررسید توسط مشتری به بانک.

۶-۲ بازپرداخت اقساطی سود و اقساطی اصل تسهیلات پس از دوره تنفس

این الگو مخصوص شرایطی است که هدف بانک دریافت اقساطی سود از مشتری و دریافت اصل تسهیلات پس از دوره تنفس مشخص است. در واقع، مشتری سود تسهیلات را به‌صورت اقساطی بازمی‌گرداند و پس از سررسید نیز برای مدتی مشخص (مثلاً سه ماه) از فرصت تنفس برخوردار است و هیچ بازپرداختی به بانک ندارد. پس از این دوره در قالب دوره زمانی مشخص، اصل تسهیلات را به‌صورت اقساطی بازمی‌گرداند.

به‌لحاظ عملیاتی، این الگو بسیار شبیه مدل قبل بوده و تفاوت آن صرفاً اضافه شدن دوره تنفس و بازپرداخت اصل منابع به‌صورت اقساطی پس از سررسید است. این مسئله به‌صورت شرط در ضمن عقد مباحه درج می‌شود (شکل ۲ ملاحظه شود).



شکل ۲. الگوی بازپرداخت اقساطی سود و اقساطی اصل تسهیلات پس از دوره تنفس

* رابطه‌های حقوقی در شکل ۲:

۱. اعتبارسنجی و صدور کارت اعتباری برای مشتری و اعطای وکالت در خرید برای بانک؛
۲. قرار دادن کارت در کارت‌خوان مرکز فروش توسط مشتری و خرید وکالتی کالاها و خدمات برای بانک؛
۳. ارسال اطلاعات موردنیاز از طریق فروشگاه به بانک و ارسال منابع لازم برای خرید از طریق بانک به فروشگاه؛
۴. تملک کالاها و خدمات خریداری‌شده توسط بانک؛
۵. فروش اقساطی کالاها و خدمات خریداری‌شده توسط بانک به مشتری؛
۶. بازپرداخت اقساطی سود تسهیلات دریافتی توسط مشتری؛ و
۷. بازپرداخت اقساطی اصل تسهیلات پس از دوره تنفس.

۷ محاسبه مبلغ اقساط و میزان سود در سازوکار جدید در مقایسه با دو روش رایج در شبکه بانکی کشور

در این قسمت تلاش می‌شود تا به مقایسه میزان سود و اقساط در الگوی جدید مرابحه با دو روش رایج در شبکه بانکی کشور یعنی بازپرداخت تدریجی اصل و سود و همچنین بازپرداخت دفعتی اصل و سود در سررسید اقدام شود. برای ارائه بهتر موضوع، مقایسه از طریق مثالی فرضی صورت می‌پذیرد. در این مثال یک واحد تولیدی کوچک قصد دارد از تسهیلات مرابحه بانک الف به میزان ۱ میلیارد ریال (۱۰۰ میلیون تومان) استفاده کند. نرخ سود تسهیلات ۱۸ درصد و مدت بازپرداخت نیز ۶۰ ماه است. در ادامه، کاربرد هر سه روش مذکور در این مثال فرضی موردبحث قرار می‌گیرد.

۷-۱ بازپرداخت تدریجی اصل و سود (روش رایج در شبکه بانکی برای عقود مبادله‌ای)

این روش در حال حاضر توسط بانک‌های کشور در رابطه با اکثر تسهیلات مبادله‌ای مانند فروش اقساطی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این روش، از یک طرف برای مانده بدهی مشتری در هر قسط (اصل بدهی) سود شناسایی شده و از سوی دیگر، اصل به صورت صعودی و سود به صورت نزولی در اقساط دریافت می‌شود (کشاورزبان، ۱۳۹۸، ص. ۱۹۷)^۱؛ بنابراین، در اقساط اولیه، عمده اقساط مرتبط با سود تسهیلات است و بخش کمتری به اصل مرتبط بوده و در قسط‌های پایانی، وضعیت برعکس می‌شود. محاسبات مرتبط با این روش در جدول ۱ ارائه شده است.

^۱ لازم به ذکر است تا سال ۱۳۸۱، اصل و سود پرداختی مشتری در تمام اقساط مساوی محاسبه می‌شد (در چهارچوب مقررات بانک مرکزی). با این حال این موضوع در شناسایی و ثبت سود به روش تعهدی به ضرر بانک بود؛ زیرا با اینکه مانده بدهی مشتری در ابتدای پرداخت تسهیلات بیشتر بود، وی سود کمتری می‌پرداخت و برعکس. برای حل این مشکل، در سال ۱۳۸۱ فرمول جدیدی برای محاسبه سود ارائه شد که بر اساس آن، با وجود یکسان بودن اقساط پرداختی توسط مشتری، در اقساط اولیه که مانده بدهی مشتری بیشتر است، سود بیشتر و اصل کمتری در هر قسط شناسایی می‌شود؛ اما در اقساط پایانی، این روند معکوس می‌شود. این روش محاسبه سود در حال حاضر نیز در شبکه بانکی مورد استفاده قرار می‌گیرد (کشاورزبان، ۱۳۹۸، ص. ۱۹۴).



جدول ۱. محاسبه مبلغ اقساط و میزان سود در الگوی بازپرداخت تدریجی اصل و سود

مبلغ تسهیلات: ۱ میلیارد ریال، نرخ سود: ۱۸ درصد، بازپرداخت: ۶۰ ماهه (N مدت بازپرداخت سالانه معادل ۵ و نرخ سود سالانه معادل ۰/۱۸ است)				
شماره قسط	مبلغ اصل قسط	مبلغ سود قسط	مانده تسهیلات P	مبلغ قسط A $A = P \times \frac{i(1+i)^N}{(1+i)^N - 1}$
۱	$25,393,430 - 15,000,000 = 10,393,430$	$1,000,000,000 \times \frac{0.18}{12} = 15,000,000$	۱۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۵/۳۹۳/۴۳۰
۲	$25,393,430 - 14,844,090 = 10,549,340$	$989,606,570 \times \frac{0.18}{12} = 14,844,090$	$1,000,000,000 - 10,393,430 = 989,606,570$	۲۵/۳۹۳/۴۳۰
...
۶۰	۲۴/۶۴۲/۸۸۰	۳۷۵/۲۷۰	۲۵/۰۱۸/۱۵۰	۲۵/۳۹۳/۴۳۰
<p>* کل سود پرداخت شده توسط مشتری: ۵۲۳/۶۰۵/۶۵۰ * مجموع اصل و سود پرداختی توسط مشتری: ۱/۵۲۳/۶۰۵/۶۵۰</p>				

۲-۷ بازپرداخت دفعی اصل و سود در سررسید (روش رایج در شبکه بانکی برای عقود کوتاه مدت مانند مضاربه)

این روش مخصوص عقود کوتاه مدت مانند مضاربه است که در آن مشتری هیچ قسطی پرداخت نمی کند و کل بدهی (شامل اصل و سود) را در سررسید بازپرداخت می کند. در اینجا اصل و سودی که مشتری در سررسید می پردازد بر اساس این فرمول محاسبه می شود: $B = P \times (1 + i)^N$ برای محاسبات می توان سود را سالانه و یا ماهانه در نظر گرفت که با توجه به بلندمدت بودن مدت بازپرداخت (۶۰ ماه)، روش ماهانه منطقی تر است و با فرمول بانک مرکزی نیز انطباق دارد. بر این اساس، میزان اصل و سود در حالت سالانه برابر خواهد بود با ۲/۲۸۷/۷۵۷/۷۶۰ ریال و در حالت ماهانه برابر خواهد بود با: ۲/۴۴۳/۲۱۹/۹۸۰ ریال.

۳-۷ بازپرداخت اقساطی سود و دفعی اصل در سررسید (روش جدید)

در الگوی جدید، اصل تسهیلات پرداختی (۱ میلیارد ریال) تا پایان دوره ثابت بوده و در اختیار مشتری است؛ بنابراین، روش محاسبه قسط ماهانه همانند روش محاسبه سود ماهانه سپرده است (شیوه ای که بانک در محاسبه سود سپرده گذاران استفاده می کند) و به روش زیر محاسبه می شود:

$$\text{سود ماهانه مانده بدهی اقساط} = \frac{1,000,000,000 \times 18 \times 1}{1200} = 15,000,000$$

$$\text{کل سود پرداخت شده به صورت ماهانه} = 15,000,000 \times 60 = 900,000,000$$

$$\text{کل اصل و سود پرداختی توسط مشتری} = 1,900,000,000$$

۴-۷ مقایسه تطبیقی مبلغ قسط و کلی سود پرداختی در الگوها

جدول ۲ نتیجه گیری کلی این قسمت است و به مقایسه هر سه الگو با یکدیگر می پردازد. همان طور که مشخص است، مبلغ قسط در الگوی جدید نسبت به الگوی اول به شدت کاهش پیدا می کند؛ اما کل سود پرداختی در الگوی جدید بیشتر از الگوی اول و کمتر از الگوی دوم است؛ بنابراین، الگوی جدید برای آن دسته از تولیدکنندگان که توانایی بازپرداخت اقساط را ندارند، اما چشم اندازی روشن از آینده کسب و کار خود دارند، به نحوی که بتوانند اصل و سود منابع را در آینده بازپرداخت کنند، بسیار مفید خواهد بود.



جدول ۲. مقایسه مبلغ هر قسط و کل سود پرداختی در الگوها

مجموع اصل و سود پرداختی	کل سود پرداخت شده	مبلغ هر قسط	
۱,۵۲۳,۶۰۵,۶۵۰	۵۲۳,۶۰۵,۶۵۰	۲۵,۳۹۳,۴۳۰	الگوی اول (اصل و سود در هر قسط)
۲,۴۴۳,۲۱۹,۹۸۰	۱,۴۴۳,۲۱۹,۹۸۰	---	الگوی دوم (بازپرداخت دفعی اصل و سود در سررسید)
۱,۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۹۰۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۵,۰۰۰,۰۰۰	الگوی جدید

۸ نتیجه‌گیری، توصیه‌های سیاستی، و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

این تحقیق تلاش کرد تا ضمن تبیین سازوکار جدید استفاده از قرارداد مرابحه با ویژگی قسط‌بندی کوتاه‌مدت سود و بلندمدت اصل تسهیلات، این مدل را از منظر فقه اسلامی مورد‌ارزیابی و تحلیل قرار دهد. مهم‌ترین یافته تحقیق آن است که از منظر فقه اسلامی و ضوابط قرارداد مرابحه، هیچ نوع محدودیتی در روش بازپرداخت بدهی در این عقد وجود ندارد. در واقع، هرچند با انعقاد قرارداد مرابحه بدهی بین بانک و مشتری شکل می‌گیرد، شیوه بازپرداخت بدهی (شامل اصل و سود) در زمره اصلی آزادی قراردادهای و قاعده شرط (جواز درج شروط ضمن عقد در قراردادها) قرار می‌گیرد و محدودیتی در رابطه با آن وجود ندارد؛ بنابراین، بانک و مشتری می‌توانند به صورت شرط ضمن عقد مرابحه توافق کنند که سود تسهیلات به صورتی اقساطی پرداخت و اصل تسهیلات نیز در سررسید بازپرداخت شود. این ایده می‌تواند در قالب مدل‌های عملیاتی متفاوت و متنوع در شبکه بانکی به‌عنوان گزینه‌ای برای تمام مشتریان (و یا مشتریان منتخب) در نظر گرفته شود که در این تحقیق دو روش عملیاتی شامل «بازپرداخت اقساطی سود و دفعی اصل تسهیلات در سررسید» و «بازپرداخت اقساطی سود و اقساطی اصل تسهیلات پس از دوره تنفس» مورد تأکید قرار گرفت. یافته‌های تحقیق همچنین نشان می‌دهد که:

الف- اساساً، توافق مشتری و بانک در رابطه با شیوه بازپرداخت بدهی موضوعی عقلایی است که شرع مقدس نیز در عقد مرابحه محدودیتی در رابطه با آن در نظر نگرفته است. بر این اساس، بانک‌ها می‌توانند در راستای احترام به سلیقه مشتریان انواع روش‌های بازپرداخت را در تسهیلات مرابحه در نظر بگیرند تا هر مشتری (به‌ویژه تولیدکنندگان) بتواند متناسب با نیاز و شرایط خود بهترین گزینه را انتخاب کند. در این تحقیق یکی از مهمترین این روش‌های بازپرداخت یعنی بازپرداخت اقساطی سود و دفعی اصل تسهیلات در سررسید مورد بحث قرار گرفت.

ب- راهکار ارائه‌شده در این تحقیق به‌طور خاص برای بنگاه‌های تولیدی که با بانک وارد رابطه اهرمی بلندمدت شده‌اند (بنگاه‌های همیشه‌سبز) قابلیت کاربرد دارد؛ چرا که این دسته از مشتریان فقط یک‌مرتبه از بانک تسهیلات دریافت نمی‌کنند، بلکه تا سقف اعتباری مشخص منابع بانک به صورت پیوسته در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد.

پ- سازوکار جدید تسهیلات مرابحه نسبت به روش فعلی مورد استفاده در شبکه بانکی یعنی واریز اصل تسهیلات توسط مشتری به حساب بانک برای مدت خیلی کوتاه و در نظر گرفتن تسهیلات جدید با شرایط مشابه (با تغییر سرفصل) برای مشتری مزیت دارد؛ چرا که استفاده از روش فعلی مستلزم طی شدن مجدد تشریفات پرداخت تسهیلات و صرف هزینه‌های مبادلاتی برای بانک و مشتری است. درحالی‌که در الگوی جدید، از ابتدا در رابطه با بازپرداخت سود بعد از سررسید توافق می‌شود و نیازی به تبدیل قرارداد به قرارداد جدید و تغییر سرفصل وجود ندارد.

ت- هرچند الگوی جدید مرابحه می‌تواند برای تمام مشتریان حقیقی یا حقوقی مفید باشد، این روش برای تولیدکنندگان (به‌ویژه تولیدکنندگان کوچک و متوسط) به‌طور خاص اهمیت دارد؛ چرا که در این الگو بین «برنامه بازپرداخت بدهی» و «برنامه درآمدزایی و ایجاد نقدینگی» ارتباط برقرار می‌شود. معمولاً بنگاه‌های اقتصادی در سال‌های اولیه تولید با درآمدزایی خاصی مواجه نیستند و رسیدن به مرحله راه‌اندازی و بهره‌برداری زمان‌بر است. در الگوی جدید، بانک این فرصت را برای تولیدکننده در نظر می‌گیرد که در سال‌های نخست که بنگاه به درآمدزایی نرسیده است، صرفاً سود تسهیلات بازپرداخت و اصل تسهیلات پس از بهره‌برداری از پروژه (که به معنای ایجاد جریان درآمدی است) بازپرداخت شود.

ث- می‌توان الگوی جدید را مدل «تسهیلات با اقساط استطاعت‌پذیر» در نظر گرفت؛ چرا که در این روش اقساط متناسب با توانایی بازپرداخت مشتری تعیین می‌شود و به صورت درون‌زا از امهال‌های مکرر و شبه‌ناک در شبکه بانکی و بالا رفتن نسبت مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی جلوگیری می‌کند.

بر اساس یافته‌های این تحقیق **توصیه** می‌شود بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دستورالعمل اجرایی عقد مرابحه را اصلاح کند و در آن، امکان ارائه روش‌های مختلف بازپرداخت توسط بانک‌ها برای عموم مشتریان و یا مشتریان منتخب را در نظر بگیرد. علاوه بر این، توصیه می‌شود



بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی کشور نیز در راستای احترام به سلیق مشتریان و پاسخگویی حداکثری به نیازهای آن‌ها (به‌ویژه تولیدکنندگان)، تلاش کنند بسترهای موردنیاز برای اجرای سازوکار جدید (شامل بسترهای حسابداری، نرم‌افزاری، و غیره) را فراهم کنند. در نهایت توصیه می‌شود بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی در صورت استفاده از روش جدید، از ابتدا مبلغ اقساط و کل سود پرداختی به مشتری را به صورت شفاف اطلاع‌رسانی کنند تا مشتری با در نظر گرفتن کلیه جوانب جهت انتخاب بهترین گزینه بازپرداخت بدهی تصمیم‌گیری کند. با توجه به جدید بودن ایده مطرح شده در این تحقیق، موضوعات اقتصادی و مالی دیگری می‌تواند در ادامه این کار مطرح شود که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

الف- در این تحقیق تمرکز پژوهش بر امکان‌سنجی فقهی استفاده از الگوی جدید بود. با این حال از منظر اقتصادی ممکن است این نگرانی وجود داشته باشد که موکول شدن بازپرداخت اصل به بعد از سررسید، ممکن است سبب تجمع مطالبات بانکی و متورم شدن آن‌ها شود و این مسئله در نهایت بازپرداخت اقساط را با مشکل مواجه و زمینه افزایش ریسک نکول و مطالبات غیرجاری را فراهم کند. بر این اساس، در نظر گرفتن تدابیر لازم برای پوشش این ریسک می‌تواند موضوعی مهم برای تحقیقات آتی در این حوزه محسوب شود.

ب- تمرکز تحقیق حاضر صرفاً بر عقد مرابحه بود و الگوی تفکیک بین بازپرداخت اصل و سود را صرفاً در رابطه با این عقد موردبررسی قرار داد. بر این اساس، پژوهش‌های آتی می‌تواند امکان‌سنجی استفاده از این ایده را در رابطه با سایر عقود مبادله‌ای و مشارکتی موردبحث قرار دهد. پ- در نظام بانکی متعارف انواع مختلفی از وام‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد که برخی از آنها (مانند وام‌های تنزیلی، وام‌های تفکیکی^۱ و وام‌های مستهلک‌شونده) به نحوی با ایده مطرح شده در این تحقیق ارتباط دارد. موضوع‌شناسی و تحلیل ابعاد فقهی-حقوقی این نوع وام‌ها، می‌تواند به عنوان موضوعی برای تحقیقات آتی در نظر گرفته شود.

ت- در این تحقیق تمرکز مباحث بر تحلیل فقهی سازوکار جدید استفاده از قرارداد مرابحه با ویژگی قسطبندی کوتاه‌مدت سود و بلندمدت اصل تسهیلات بود. با این حال می‌توان با استفاده از روش‌های شبیه‌سازی و مدل‌سازی ریاضی، تبیین کامل‌تری از این روش جدید در مقایسه روش‌های فعلی رایج در شبکه بانکی کشور ارائه داد. توجه به این مسئله می‌تواند موضوعی برای تحقیقات آتی در این حوزه محسوب شود.

¹ Interest-only Loan



منابع و مآخذ

الف- منابع فارسی و عربی

- توتونچیان، ا. (۱۳۷۹). *پول و بانکداری اسلامی و مقایسه آن با نظام سرمایه‌داری*. تهران: انتشارات توانگران.
- توحیدی، م. و اعتصامی، الف. (۱۳۹۵). «امکان‌سنجی فقهی انتشار اوراق اجاره، مرابحه، و مشارکت مصون از تورم در بازار سرمایه ایران». *دوفصلنامه جستارهای اقتصادی*، ۲۶.
- حسینی، س. الف. (۱۳۹۶). «ضوابط شروط ضمن عقد؛ مطالعه موردی: وجه التزام بانکی». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۶۶.
- شعبانی، ا. و جلالی، ع. (۱۳۹۰). «دلایل گسترش مطالبات معوق در نظام بانکی ایران و بیان راهکارهایی برای اصلاح آن». *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۴.
- عاملی، ش. ح. (۱۴۰۹ ق.). *وسائل الشیعه*. ج. ۱۸، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- کشاورزبان، الف. (۱۳۹۸). *تأمین مالی در عملیات بانکی بدون ربا*. تهران: اداره کل آموزش بانک سپه.
- محقق داماد، س. م. (۱۳۸۱). *قواعد فقه*. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۷). *ربا و بانکداری اسلامی*. به کوشش ابوالقاسم علیان‌نژادی، قم: انتشارات حوزه امام علی (ع).
- مکارم شیرازی، ن. (۱۴۱۴ ق.). *القواعد الفقهیه*. ج. ۱، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع).
- موسویان، س. ع. (۱۳۸۶). «طراحی کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا بر اساس بیع مرابحه». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۲۸.
- موسویان، س. ع. (۱۳۹۰). *طرح تحول نظام بانکی: اصلاح قانون و الگوی بانکداری بدون ربا*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موسویان، س. ع. و کیقبادی، س. (۱۳۹۴). «مهندسی مالی عقود بانکی با تأکید بر تجارب بانک‌های برتر جهان اسلام»، *مجموعه مقالات بیست و ششمین همایش بانکداری اسلامی*. تهران: مؤسسه عالی بانکداری.
- موسویان، س. ع. و ملاکریمی، ف. (۱۳۹۵). «تعزیر مالی و جریمه دولتی برای مطالبات غیرجاری در بانکداری اسلامی». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۶۴.
- موسویان، س. ع. و میثمی، ح. (۱۳۹۷). *بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری-تجارب عملی*. ویرایش ششم، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- موسویان، س. ع. و بازوکار، ا. (۱۳۹۰). «امکان‌سنجی کاربرد مرابحه در بانکداری بدون ربا». *فصلنامه روند پژوهش‌های اقتصادی*، ۵۹.
- نجفی، م. ح. (۱۴۱۷ ق.). *جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام*. ج. ۲۵، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نظریور، م. ن.؛ یوسفی شیخ رباط، م. ر.؛ و ابراهیمی، م. (۱۳۹۰). «بررسی شاخص‌های ممنوعیت غرر در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۴۳.
- نظریور، م. و ملاکریمی، ف. (۱۳۹۶). «بررسی کاربرد قاعده شرط در قراردادهای بانکی». *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۶۵.

ب- منابع انگلیسی

- Chapra, M. (2008). "The global financial crisis: Can Islamic finance help minimize the severity and frequency of such a crisis in the future?" *Forum on the global financial crisis, Jeddah: Islamic Development Bank*.
- Ross, S., Westerfield, R. and Jordan, B. (2018). *Fundamentals of Corporate Finances*. 12th edition, New York: McGraw-Hill Education.
- Saunders, A. and Cornett, M. (2018). *Financial Markets and Institutions*. 7th edition, New York: McGraw-Hill Education.